

پرونده
نیبره ساری

مدت زمانی است که بحث طلاق و حاشیه‌های حاصل از آن در محافل مختلف مطرح می‌شود. افزایش آمار طلاق، کاهش آمار ازدواج، روش‌های نادرست قضایی مختوم به طلاق توافقی و در نهایت بحث داغ مهریه که همزمان با افزایش نوسانات سکه و ارز به اوج رسید، از جمله این موارد است. حالا علاوه بر مشکلات مختلفی که سدی مقابل ازدواج جوانان بود، این روزها بحث مهریه هم بر آن افزوده شده است. در این میان زیاد شنیده می‌شود که دختران جوان با گلایه‌مندی از تلاش قانونگذاران در راستای کاهش محکومیت کیفری مهریه، برخی از حقوق مصرح بانوان را نادیده می‌انگارند یا به آن کم توجهی می‌کنند. دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور شهروندی

از جمله افرادی است که شروط ضمن عقد را جایگزین مناسبی برای مهریه‌های نجومی توصیف کرده بود، اما آیا کسی می‌داند به درستی شرط ضمن عقد چیست؟ شامل چه مواردی می‌شود؟ چه زمانی باید برای ثبت آن اقدام کرد و آیا قابل تغییر است یا خیر؟ افزون بر این موارد آیا شروط ضمن عقد فقط برای زوجه قائل به یکسری حقوق است یا اینکه زوج نیز می‌تواند اقدام به ثبت شروط ضمن عقد کند؟ نظر به اهمیت این موضوع به عنوان یکی از موارد مبتلا به جامعه امروز، گروه حقوق روزنامه جوان با علم به اینکه زندگی مشترک اساساً شرط و شروط بردار نیست، اما به هر حال ممکن است شرایطی پیش بیاید که همین شروط مقرر در عقد نکاح مهم شود، این هفته «شروط ضمن عقد نکاح» را مورد بررسی قرار داده است.

حقوقی شرط ببندید عاشقانه زندگی کنید



۱۲ شرط خاص ضمن عقد

قانونگذار برای عقد نکاح شروطی مقرر کرده است، اما پایبندی و استمرار زندگی مشترک را پایبندی این شروط نیست

شروط اول

زن می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور طلاق کند، در صورت خودداری شوهر از دادن خرجی زن و انجام سایر حقوق واجب زن به مدت شش ماه.

شروط دوم

دومین شرط ذکر شده در عقدنامه که به زن اجازه طلاق می‌دهد، بذر فتاری زوج است به حدی که ادامه زندگی را برای زوجه غیر قابل تحمل کند.

شروط سوم

سومین شرطی که با وجود آن زن اختیار طلاق دارد، بیماری خطرناک غیر قابل درمان مرد است در حدی که سلامت زن را به خطر اندازد.

شروط چهارم

محکومیت شوهر به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر ناتوانی از پرداخت، منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به پنج سال بازداشت یا بیشتر شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد نیز یکی دیگر از شروط ضمن عقد نکاح است که به زن امکان مطلقه شدن را می‌دهد

شروط پنجم

شرط پنجم دیوانه بودن مرد است در زمانی که امکان فسخ و وجود ندارد.

شروط ششم

ششمین شرط مندرج در عقدنامه اشتغال مرد به کاری است که به حیثیت و آبروی زن و مصالح خانوادگی او لطمه بزند در این صورت زن می‌تواند تقاضای طلاق کند.

شروط هفتم

ابتلای زوج به هرگونه اعتیاد مضری که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خللی وارد آورد و ادامه زندگی را برای زوجه دشوار کند مانند اعتیادی که منجر به بیکاری مرد، فروش اثاثیه منزل و وارد نمودن ضرر به سلامت جسمی و روحی زن و فرزند شود.

اقسام شرط در قانون

طبق ماده ۲۳۴ قانون مدنی شروط صحیح بر سه قسم است:
۱- شرط صفت، ۲- شرط نتیجه، ۳- شرط فعل اثباتاً یا نفیاً
شرط صفت عبارت است از شرط راجع به کیفیت یا کمیت مورد معامله، کمیت یا مقدار مثلاً خانه‌ای ۲۰۰ متری یا ۱۰۰ کیلوبرنج شرط صفت در معامله باشد و کیفیت مثلاً جنس

تخلف از شرط صفت

ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی در بحث نکاح، تخلف از شرط صفت مقرر می‌دارد:

«هر گاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود، خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبایناً بر آن واقع شده باشد.»

مستفاد از این ماده قانونی این است که طرفین عقد از دواج می‌توانند هر صفتی را که جنبه عقلانی داشته باشد در عقد نکاح شرط نمایند، اعم از اینکه وصف مزبور مربوط به وجود نوعی صفت کمال یا فقدان عیب و نقص و خواه ناظر به جنبه‌های جسمی و روحی طرف یا امور عارضی و خارجی باشد که اگر بعد از عقد خلاف آن معلوم شود طرف دیگر به استناد تخلف از شرط صفت می‌تواند عقد نکاح را فسخ نماید. ممکن است وجود صفتی، صراحتاً در ضمن عقد نکاح شرط نشود ولی عقد مبتنی بر وجود وصفی در یکی از زوجین منعقد گردد که اگر آن صفت را نداشت، طرف نکاح را منقذ نمی‌نمود در این صورت

مورد معامله مثل اینکه رنگ ماشین باید مشکی باشد. شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود، به طور مثال فردی هنگام فروش منزل، شرط می‌کند در قبال آن ۱۰ سال بعد به فرد دیگری ماشینی اعطا شود. شرط فعل آن است که اقدام با عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود.

نیز طبق ذیل ماده ۱۱۲۸ اگر معلوم شد طرف فاقد آن وصف است، مشروطه له می‌تواند نکاح را فسخ نماید.

در حالت کلی، در هر صورت در خصوص وجود حق فسخ به لحاظ تخلف از شرط وصف، طبق قانون مدنی و نیز مستفاد از نظر فقها فرقی بین زن و مرد نیست و هر یک می‌تواند وجود صفت یا صفتی را در دیگری شرط نماید و در صورت تخلف از شرط و موجود نبودن آن وصف، عقد نکاح را فسخ نماید.

ذکر این نکته لازم است که شروط ضمن عقد بعد از امضا قابل تغییر نیستند مگر با توافق طرفین. از سوی دیگر برخی از شروط ضمن عقد قابل پذیرش نیستند و باطل هستند. از جمله شروط باطل، باید به شروطی که انجام آن غیرمقدور باشد یا نفع و فایده نداشته باشد یا خلاف قانون امری باشد اشاره کرد. مثل اینکه زن نمی‌تواند ضمن عقد شرط کند مرد حق طلاق او را نداشته باشد.

شرط دوازدهم

آخرین شرطی که زوج در عقدنامه آن را امضا می‌کند و اختیار طلاق را به همسرش می‌دهد، از دواج مجدد مرد بدون اجازه همسر است که در صورت وقوع این مورد، زن حق خواهد داشت اقامه دعوا برای طلاق کند.

شرط یازدهم

همچنین چنانچه زوج مفقودالثر شود و ظرف شش ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود نیز دادگاه حکم طلاق را صادر می‌کند.

شرط دهم

دهمین شرط از شروط دوازده‌گانه عقد نکاح، بچه‌دار نشدن مرد پس از گذشت پنج سال از زندگی مشترک که به جهت عقیم بودن یا عوارض جسمی دیگر است که در این صورت زن می‌تواند تقاضای طلاق کند.

شرط نهم

از جمله مواردی که دادگاه تقاضای زن را برای طلاق می‌پذیرد و در عقدنامه نیز ذکر شده، محکومیت قطعی زوج بر اثر ارتکاب به جرم و اجرای هر گونه مجازات اعم از حد و تعزیر است که مغایر با حیثیت و شئون خانوادگی زن باشد. تشخیص این امر نیز با توجه به وضع و موقعیت زن و عرف و موازین دیگر با دادگاه است.

شرط هشتم

به استناد آن زن حق طلاق می‌یابد. چنانچه زوج زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترک کند یا اینکه شش ماه متوالی بدون عذر موجه غیبت کند، زن می‌تواند با مراجعه به دادگاه و بدون حضور شوهر طلاق خود را ثبت کند.



طلاق ممکن است از سوی زن، مرد یا به صورتی توافقی صورت گیرد. طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید. مرد ممکن است برای این درخواست خود دلایل موجهی داشته باشد از جمله عدم تمکین زن، سوء رفتار زن، محکومیت خانم به حبس، ترک زندگی خانوادگی و... همچنین ممکن است دلیل موجهی برای این درخواست خود نداشته باشد، اما مهم اینجاست که مرد چه دلیل موجهی برای طلاق داشته باشد و چه نداشته باشد، دادگاه تقاضای وی را بدو اجابت می‌کند، زیرا طبق قواعد شرعی و فقهی

طلاق از اختیارات شوهر است و حتی با وجود مخالفت زن، امکان اجرای آن هست. تنها تفاوت در موجه بودن یا نبودن علت تقاضای طلاق از ناحیه شوهر، بحث تعلق گرفتن یا عدم تعلق یکسری حق و حقوق مالی برای خانم است. نکته اینجاست، معنی حق طلاق این نیست که حتی اگر تمامی موارد شروط ضمن عقد توسط زوج قبول شود، اصل حق طلاق از مرد به زن منتقل می‌شود، بلکه زوجه در اعمال حق طلاق مرد از جانب مرد در موارد ذکر شده و کالت پیدا می‌کند. در توضیح تکمیلی باید گفت اصل این حقوق متعلق به زوج است و وی این اجازه یا وکالت را به زن اعطا می‌کند.

دایره شروط ضمن عقد

همیشه شروط ضمن عقد مبتنی بر موضوعاتی چون گرفتن حق طلاق یا تکیه بر موضوعات خاص اجتماعی و فرهنگی و به ویژه اقتصادی و فرهنگی نیست. هستند کسانی که در این میان اقدام به تعیین «شروط ضمن عقد» با پار مثبت می‌کنند، چنانچه مطابق تصاویر درج شده در فضای مجازی مربوط به یک عقدنامه، زوجه بازو شرط کرده که کودک کان مجرماً از تحصیل را باسواد کند که البته زوج هم شرط را قبول کرده است. در مواردی هم دیده شده که شروط مربوط به عقاید و فرهنگ و اقتضات زندگی، بیسن زوج و زوجه ثبت می‌شود که شاید در عرف پسندیده نباشد اما برای

موردی که قانون مدنی بدان پرداخته است و در تعبیر دیگری به وجود آمدن «عسر و حرج» برای زنان تعریف می‌شود، اما این سؤال پیش می‌آید وقتی تمامی موارد مندرج در سند نکاحیه ذیل قانون مدنی تعریف شده است و زوجه این حق را دارد که با اثبات آن اقدام به طلاق کند، پس فایده تلاش برای قبول شروط ضمن عقد چیست؟ برای پاسخ به این سؤال باید گفت در فرضی که اختلافی بین زوج و زوجه پیش آید، در صورتی که این وکالت در اختیار زوجه باشد، وی نیازی به اثبات موارد فوق ندارد، اما در صورتی که زوج این شروط را قبول نکرده باشد، بعد از مراجعه به دادگاه بار اثباتی موارد مندرج در سند نکاحیه به عهده زوجه خواهد بود.

حق طلاق چیست؟

عبارت‌هایی چون اعطای حق طلاق، حق طلاق زن، وکالت در طلاق، وکالت زن در طلاق، وکالت در طلاق زوجه، وکالت تام طلاق و وکالت بلاعزل طلاق همگی مفهوم و منظور یکسان دارد و به این معناست که مرد در خصوص طلاق همسرش یا هر شخص دیگری وکالت اعطا کند. این وکالت مرسوم است یا ضمن عقد نکاح باشد و در سند ازدواج به عنوان شرط وکالت (شروط نتیجه) درج شود یا اینکه زوج به طور مستقل با حضور در دفترخانه اسناد رسمی وکالت رسمی در طلاق به زوجه یا شخص دیگری اعطا کند. به طوری که به زبان ساده‌تر، حق طلاق حقی است در اختیار مرد که در موارد خاصی می‌تواند در اختیار زن قرار گیرد.